

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Political

سیاسی

موسوی

۰۳.۱۱.۰۹

مافیای قدرت بین المللی

و

مضحکه انتخابات افغانستان

در جریان دو هفته اخیر، دو خبر از افغانستان چنان غیر مترقبه بود که به علاوه برخی از مردم افغانستان، دست اندرکاران امور سیاسی افغانستان را نیز در ظاهر متعجب ساخت. این دو خبر که حتی برای برخی از شبه روشنفکران نیز کمتر از شوک نبود، نخست به دور دوم رفتن انتخابات به اصطلاح ریاست جمهوری در افغانستان، بود و خبر دوم بعد از کناره گیری عاجل داکتر عبدالله، انتصاب کرسی به مقام ریاست جمهوری افغانستان از جانب "کمیسیون انتخابات" بود.

هرچند هر دو تصمیم از طرف به اصطلاح مطبوعات جامعه افغانی در خارج و داخل کشور در حد توانایی آنها مورد تبصره قرار گرفته و تلاش هایی را باعث گردید تا دنبال قانونیت و مشروعیت آن دو واقعه که خبر ها از آن مایه گرفته بودند، قلم فرسایی نمایند؛ مگر با تأسف در کمتر نشریه ای علت یابی چنین تصامی مورد بحث قرار گرفت. تا خواننده قبل از آنکه مبهوت این شعبده بازی های سیاسی گردد، با اشراف بر دلایل آن بار دیگر انزجار به حق خویش را علیه اشغالگران و سیاست های آنها ابراز دارد. در این مختصر کوشش به عمل می آید تا نکات چندی در زمینه نقطه گذاری گردد، باشد کسان دیگری آنرا تکمیل نمایند.

با در نظر داشت آنکه افغانستان کشوریست اشغال شده و محروم از استقلال سیاسی که تمام تصامیم در رابطه با آن در مراکز اتخاذ می گردد که آن مراکز مسؤولیت اشغال و کنترل افغانستان را به عهده دارند، همانطوریکه قبلاً این قلم بار ها بیان داشته و پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" نیز ضمن صدور اعلامیه شماره ۳۷ خود با صراحت در آن مورد موضعگیری خویش را ابراز داشت، در کشوری اشغال شده که تمام مقدرات آن را استعمار تعیین می نماید، عنوان کردن مطالبی از قبیل انتخابات و احترام به آراء مردم، تلاش نیست به خاطر فریب مردم و پوشاندن چهره کریمه استعمار در پناه آن.

در چنین کشوری رفتن پای هر نوع انتخاباتی، به صورت مستقیم به معنای شناسایی رژیم دست نشانده و وارداتی بوده، مونیذ چنین عملی چه بخواد و چه هم نخواهد در قطار تأیید کنندگان تجاوز و اشغال قرار می گیرد، که با هیچ قدرتی نمی توان همچو افراد را از صف خاینان به ملت مجزا نمود. چون نفس شرکت در انتخابات استعماری، به معنای تأیید تجاوز و در نتیجه خیانت به امر استقلال و حاکمیت ملی کشور می باشد.

نوشتیم که افغانستان کشور بیست اشغال شده و فاقد استقلال سیاسی و حاکمیت ملی که بر مقدرات آن در خارج از افغانستان به وسیله اشغالگران تصمیم اتخاذ می گردد. حال بینیم این اصل چه تاثیری بر روند کلی انتخابات پوشالی به ویژه دو هفته اخیر داشته است.

به خاطر آنکه خواننده بهتر و زود تر به یک نتیجه گیری دست یافته بتواند، نخست از بعضی مسلمات بحث خویش را آغاز می نمایم:

۱- امپریالیزم جنایت گستر امریکا با آنکه در ظاهر به وسیله رؤسای جمهور منتخب مردم اداره میگردد، مگر در اصل اداره کنندگان واقعی آن کشور کارتل ها، تراست های و انحصارات غول آسای امپریالیستی اند که به علاوه اداره خود آن کشور در اداره تمام دنیای سرمایه نیز سهم خاص و تعیین کننده خویش را دارند.

۲- "بوش" و تمام اداره متعلق به وی چیزی نبودند به غیر از یک عده خدمتگاران همان صاحبان اصلی ثروت و قدرت که می بایست با تمام قواء اهداف آنها را برآورده می ساختند.

۳- حامد کرزی، هر چند در ظاهر امر خدمتگاریست که از طرف بوش و اداره اش به این شغل گمارده شده است مگر در واقع با دار اصلی و کسانیکه مفید بودن اعمال وی را ارزشیابی می نمایند، همان هایی اند که کردار خود بوش و اداره اش را زیر کنترل داشته و دارند.

۴- "اوباما" و تمام حزب دموکرات، با تمام اختلافاتی که با حزب جمهوری خواه و شخص بوش ممکن است داشته باشند، خود باز هم خدمتگاری اند در اختیار همان صاحبان اصلی ثروت و قدرت. یعنی در بروز و پی گیری اختلافات و مبارزه با هم تا وقتی اجازه دارند که منافع صاحبان اصلی را به خطر مواجه نساخته باشند در غیر آن به مانند یک مگس مزاحم بدون کمترین سروصدایی زیر پا "له" خواهند شد. برادران کنیدی را می توان بهترین و شاخص ترین نمونه چنین سیاستی معرفی نمود.

با حرکت از این مسلمات که فکر نمی کنم هیچ فرد مطلعی با آن مخالفت نماید، بر می گردیم به مضحکه انتخابات اداره مستعمراتی کرزی و شعبده بازی های تهوع آور مجریان آن.

"اوباما" که به جرأت می توان وی را یکی از فریبکار ترین رؤسای جمهور امریکا دانست، همانطوریکه قبل از به قدرت رسیدن در کشور خودش در نقشی که برایش از جانب صاحبان اصلی قایل شده و به وسیله کمک های چند صد میلیون دلاری وی را بر مرکب مراد سوار نمودند، وعده به تغییر داده بود در رابطه با مناسبات بین المللی و سیاست خارجی کشورش نیز حرفهایی از جانب خودش و یا معاونش زده شده بود، که از آن بوی تغییر به استشمام می رسید. به خصوص وقتی برخورد معاونش را با "کرزی" قبل از انتخابات به یاد می آوریم و غرابه های خودش را در مورد "دوستم" و "فهمیم" مشاهده می نمایم دیده می شود که نامبرده و اداره اش می خواستند در رابطه با قضیه افغانستان با پائین کشیدن "کرزی" از سرپر قدرت، و به قدرت رسانیدن یک تیم کاری مطابق میل و سلیقه خودش به اصطلاح اعتبار امپریالیستی خویش را حفظ نماید.

همین هم بود که خلاف تمام عرف دیپلماتیک و ظاهر سازی هایی که از طرف اداره "بوش" برای شخصیت نشان دادن "کرزی" در اذهان جهان صورت گرفته بود و حتا به یمن "جیلک" سبزش او را خوش لباس ترین مرد سال

نیز اعلام داشتند، تا بینی خمیری گردد برای پذیرش وی از طرف اذهان جهانی، "اوباما" و اداره اش با بوق و سرنا شخص "کرزی" و اداره اش را فاسد و رشوت خوار معرفی نموده، تمام عیوبی را که از وی و اداره اش می دانستند، به خورد مطبوعات دادند تا مگر از آن طریق بتوانند بر روند انتخابات فرمایشی شان تأثیری وارد نموده، کس دیگری را به قدرت برسانند که هر زمان به "میخ بالا" نظر نداشته باشد.

بر همین مبنا بود که دو ماه اعلام نتایج انتخابات به تعویق افتاد، از "اوباما" اصرار و از "کرزی" انکار. تعلقات فراتر از کاخ سفید، کرزی را چنان جری ساخته بود که دیگر نه به نماینده دولت امریکا در نمایندگی ملل متحد احترام قایل بود و نه هم به نماینده خاص "اوباما" یعنی "هولبروک".

در چنین فضایی بود که "سناتور کری" رئیس روابط خارجی سنای امریکا و یکی از چهره های قابل احترام در داخل دموکراتها به افغانستان آمده، به اصطلاح از دو گوش "کرزی" گرفته او را وادار نمود تا به دور دوم رفتن انتخابات را پذیرفته با گلوی پر عقده و چشمان مرطوب آنرا اعلام دارد. این همان خبر نخست بود و فقط تعجب آنهایی را بر انگیخت که از بطن پدیده ها هیچ اطلاعی نداشتند.

"عبدالله" و بقیه باند "ربانی" که در این جنگ خود را پیروز به شمار می آوردند، از این عقب نشینی جرأت بیشتر یافته، خواستند ماهی را قبل از آنکه از آب بیرون کشند در تابه سرخ نمایند، در نتیجه خواستهای جدیدی را مطرح نمودند.

در بطن چنین اوضاعی، "ولی کرزی" برادر سردسته غلامان پا پیش نموده از موضع برادر به اصطلاح یک رئیس جمهور بر حال به صورت علنی و آشکار ابراز داشت که در خدمت "سی.آی.ای" قرار داشته و در بدل کار هائیکه انجام داده از جانب آنها پول دریافت نموده است، و حاضر است این توانایی خویش را به هر کسی که خواسته باشد به فروش برساند. این عمل هر چند از طرف جنرال "ستانلی مک کریستال" با یک تهدید که وی را به "آلکاپون" معروف تشبیه و آرامش "شیکاگو" را با موجودیت نامبرده غیر ممکن دانست، پاسخ داده شد؛ مگر با آنهم از حدت قضیه نکاسته، به همه نشان داد که خاندان "کرزی" حاضر اند به خاطر حفظ قدرت از تمام چراغ قرمزها عبور نمایند.

به تعبیر دیگر "ولی کرزی" و باندش به صورت مستقیم اعلام داشتند که در قاچاق مواد مخدر با این ظرفیت به صورت مستقیم دست "سی.آی.ای" و "ام.آی.۶" انگلیس نیز دخیل بوده و آنها حاضر اند در صورتیکه منافع شان به خطر مواجه شود تمام رازهای مگو را افشاء نمایند.

دخیل ساختن سرمایه مواد مخدر در قضیه که از نخستین روز اشغال افغانستان دوشادوش سرمایه نظامی در قضایا دست دراز داشته است و در شرایط فعلی همراه با دوبرخ دیگر به اصطلاح جناح سرمایه تفریحی "سکس و قمار" و پیوند های چند لایه آنها با "سی.آی.ای"، صاحبان اصلی قدرت را متوجه باریکی قضیه ساخته، برای جلوگیری از افتضاح هایی که نمی خواهند دامنگیر شان گردد، با یک اشاره از "باکی مون" یک تن از کارگزاران دیرینه خود خواستند تا قضیه را به نفع "کرزی" ختم نموده، بیشتر از آن به هیچ کسی اجازه میدان داری ندهد. همین بود که همه در رسانه ها خواندیم:

"باکی مون" به کابل آمد، با هر دو کاندید دیدن کرد، عبدالله عبدالله دست از رقابت کشید، و کمیسیون انتخابات حتا خلاف همان به اصطلاح قانون اساسی که خود از آن قانونیت می گیرد، "کرزی" را برنده اعلام داشت. این مضحکه انتخاباتی بیشتر از همه چیز نکات آتی را آشکار نمود:

- ۱- در یک کشور اشغال شده مانند افغانستان، مرکز قدرت در داخل آن کشور نبوده بلکه در خارج از آن و در کشور های اشغال کننده انتقال می یابد.
- ۲- خیمه شب بازی های انتخاباتی در کشور های اشغال شده مانند افغانستان، هیچ نوع اعتبار اجرایی و مشروعیت قانونی نداشته، همه سرخآبی اند که در خدمت نظام مستعمراتی قرار دارند.
- ۳- گردانندگان اصلی صحنه و آنهایی که سهم هریک را تقسیم می نمایند، نهاد هایی اند که بر کاخ سفید هم حکم می رانند.
- ۴- اگر به دور دوم فرستادن انتخابات بی اعتباری "ملل متحد" را به ارمغان آورد، پرده دوم نمایش وابستگی غلیظ و برده آسای "اوباما" را به مراکز اصلی قدرت به اثبات رسانید.
- اکنون این "اوباما" وسایر به اصطلاح منقدان "کرزی" در عرصه جهان است که باید "کلچه" کرزی را با تمام نجاستی که بر روی آن مالیده اند، خود نوش جان نمایند. **اشتهای خوب**
- ۵- "ولی کرزی" که اکنون می توان وی را بر اساس مصاحبه اش برنده مضحکه انتخابات اعلام داشت، باید بفهمد که حکم مرگ خود را به دست خویش اعلام داشته است. در بهترین صورت شاید بتواند الی ختم دوره کار برادرش اجازه حیات داشته باشد. با اطمینان که "سی.آی.ای" انتقام این زبانی درازی را از وی خواهد گرفت.
- واما اینکه بعداً چه اتفاقی خواهد افتاد و آیا "کرزی" تعهدی را که به خاطر حفظ ظاهر قضیه به "اوباما" سپرده عملی خواهد کرد و یا خیر، نمی تواند پاسخ بدان درد سر زیاد بار آورد. چه با موجودیت افرادی از قماش "ولی کرزی، فهیم، خلیلی، شیرآقا، محقق" و امثال آنها در صدر قدرت حاکمه در افغانستان، و با تکیه بر حامیان بین المللی اش که حتا بر کاخ سفید نیز دهن کجی می نمایند، به یقین فساد را بیشتر از پیش سیستمیزه می نماید. او نمی تواند غیر از آن انجام دهد، چه از جانبی نیروهای اجرایی اطرافش و مهمتر از آن ماهیت ادارات مستعمراتی که تا مغز استخوان باید فاسد باشند، اجباریست که هیچ گونه چانس انتخاب برایش نمی گذارد.
- یک نکته را نباید فراموش نمود، که هر چند در مقطع کنونی سیاست های کادری "اوباما" در قبال افغانستان قسماً به شکست مواجه شده و چه بسا اولین قربانی آن "هولبروک" باشد، مگر نباید فکر نمود که اندیشه های "یوگوسلاوی" ساختن افغانستان به صورت کامل از دماغ آنها بیرون شده است و دیگر خطر تجزیه کشور را تهدید نمی کند.